

اهمیت خلیج فارس و تلاش برای جعل نام جدید^۱

جهانبخش ثواقب^۲

چکیده

خلیج فارس یکی از آبراهه‌های مهم با شهرت جهانی است که از دیرباز به لحاظ موقعیت جغرافیایی، سیاسی، نظامی و اقتصادی از اهمیت سوق‌الجیشی برخوردار بوده است. این آبراهه کانون تحولات عمده‌ای بود که از سده دهم هجری / شانزدهم میلادی با ورود کشورهای اروپایی به این منطقه وضعیت آن پیچیده‌تر و بر اهمیت استراتژیک آن افزوده شد. هم از این رو، از جنبه فرهنگی به سبب تعامل ملیت‌های مختلف در این منطقه نقش برجسته‌ای در تبادل فرهنگ‌ها و اندیشه‌ها ایفاء کرد. همین موقعیت مهم موجب شد که از گذشته‌های دور نام خلیج فارس در متون تاریخی، جغرافیایی، اطلس‌ها، نقشه‌ها و اسناد گوناگون وارد شود و ماندگار گردد. با این همه، هر از گاه تلاش‌هایی نیز صورت گرفت که نام‌های دیگری به جای خلیج فارس جعل شود و با این نام از روی نقشه‌های جغرافیایی حذف گردد.

در این مقاله سعی بر آن است تا ضمن بیان برخی از وجوه اهمیت خلیج فارس، پیشینه و انگیزه‌های طرح جعل نام برای خلیج فارس که از یک سو به قدرت‌های فرامنطقه‌ای مربوط می‌شود و از سوی دیگر ریشه در ناسیونالیسم عربی و سیاست برخی از مرتجعین عرب با هدف ایران‌ستیزی و طرح ادعاهای واهی سرزمینی دارد، تحلیل و تبیین شود.

واژگان کلیدی:

خلیج فارس، ایران، قدرت‌های فرامنطقه‌ای، ناسیونالیسم عربی، جعل نام

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۱/۳/۱۷
E-mail: jahan_savagheb@yahoo.com

^۱ تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۱/۱۵
^۲ دانشیار گروه تاریخ دانشگاه لرستان

مقدمه

خلیج فارس پدیده جغرافیایی بی نظیری است که موقعیت آن از قدیم تا به امروز نقش برجسته ای را در تاریخ بشر ایفاء کرده است و این نقش را به طور سنتی نزد ایرانیان به واسطه اینکه شاهراه عبور فرهنگ‌ها و تجارت بود، به دست آورده است. امروزه نیز همگان بر این باورند که منطقه خلیج فارس و خود خلیج فارس دارای جایگاه حیاتی برای ساکنان کشورهای ساحلی آن و ارتباط آنها با دنیای مدرن است و این موقعیت بی نظیر ژئواستراتژیکی بر اهمیت کنونی اش افزوده است. تاریخ پیدایش تمدن‌های نخستین و کهن حاشیه خلیج فارس تقریباً به پنج هزار سال پیش می‌رسد؛ زمانی که شاهان عیلامی و سومری در ابتدای خط ساحلی خلیج فارس، در جنوب غربی ایران امروز و نزدیک به حوضه‌های دو رود دجله و فرات حکومتی تشکیل داده بودند و اکنون مدارکی در اختیار است دایر بر آنکه این شاهان و جانشینان آنها، آشوری‌ها و بابلی‌ها با امارت‌نشین‌های حاشیه دریا که در امتداد خط ساحلی خلیج فارس قرار داشتند در ارتباط بودند و این مراودات سبب رونق تجارت در آن منطقه شده است. (سوساک [بی تا]: ۱۶۱)

از دیدگاه علم جغرافیا، خلیج فارس در شمار دریا‌های کوچک داخلی است که وسعت آن ۲۳۲۸۵۰ کیلومتر مربع است. طول آن از دهانه رود اروندرود تا شبه جزیره مسندم^۱ در عمان ۸۰۰ کیلومتر است و عرض آن از ۱۸۰ تا ۳۵۰ کیلومتر تغییر می‌کند. باریک‌ترین محل آن در تنگه هرمز ۵۶ کیلومتر است و عمقش از ۳۶ متر در نزدیک مسندم به ۱۸۰ متر می‌رسد. (بیات، ۱۳۶۷: ۲۷-۲۶)

ارتباط خلیج فارس با اقیانوس هند بر اهمیت آن افزوده است. خلیج فارس به واسطه موقعیت ممتاز جغرافیایی خود، چهار راه شرق و غرب و عرصه رفت و آمد همه اقوام و ملل دنیای قدیم بوده است و به سبب مجاورت با کشورهای حاصلخیز و در بر داشتن منابع سرشار ثروت چه در ایام قدیم و چه در دوران معاصر، همواره مطمح نظر جنگجویان، کشورگشایان و توسعه‌طلبان قرار گرفته است و هر یک از اقوام و ملل جهان که به قدرت و عظمت رسیده‌اند، طرح تسلط بر آن را در نظر داشته‌اند. (فتح‌اللهی، ۱۳۶۸ / همدانی [بی تا]: ۱۳۹)

سرزمین‌های مجاور خلیج فارس از دیر باز کانون تجمعات انسانی و جایگاه پیدایش تمدن‌های درخشان بوده است. از نام خلیج فارس در کتیبه‌های سومری و عیلامی اثری به

^۱. Musandam

اهمیت خلیج فارس و تلاش برای جعل نام جدید ۳

دست نیامده است تا این آگاهی به دست آید که نخستین نام این آبراهه باستانی چه بوده است. در کهن‌ترین سند در این مورد که لوحه‌ای بابلی متعلق به ۴۰۰۰ سال پیش از میلاد است؛ نقشه جهان شناخته شده آن روزگار ترسیم شده است. بابلی‌ها عقیده داشتند که اطراف سرزمین آنها و اراضی مرزی آن را "رودخانه تلخ" (خلیج فارس) فرا گرفته است. آشوریان این دریا را نارموتو^۱ به معنای "رودخانه تلخ" می‌خواندند. این آبراهه پس از پیروزی پارسیان بر دولت‌های همسایه خود و بنیان نهادن دولت هخامنشی به نام دریای پارس نامیده شد.

داریوش اول در کتیبه‌ای که در کنار ترعه سوئز پیدا شد و متعلق به پانصد سال پیش از میلاد است، از این دریا با عبارت «دریایی که از پارس می‌رود»^۲ نام برده است. یونانیان از این دریا با نام‌های پرسیکون کای تاس^۳، پرسیکوس سینوس^۴، سینوس پرسیکوس و آقواروم پرسیکو^۵ یاد کرده‌اند که این نام‌ها به معنای دریای پارس، خلیج فارس و آبگیر پارس است.

در منابع جغرافیایی و تاریخی دوره اسلامی که از این دریا ذکری به میان آمده است، نام این آبراهه با عناوین "بحر فارس" یا "البحرالفارسی"، "خلیج فارس" یا "الخلیج‌الفارسی" آمده است. برخی جغرافی‌نویسان قدیم اسلامی مفهوم "بحر فارسی" را خیلی وسیع‌تر گرفته‌اند و آن را به تمام دریای جنوب ایران اعم از بحر عمان و خلیج فارس و حتی اقیانوس هند اطلاق کرده‌اند. (مشکور، ۱۳۶۹: ۳۸ / اقتداری [بی تا]: ۲۱. / ویلسن، ۱۳۶۶: ۳۲-۶۵ / اقتداری، ۱۳۸۷: ۲۲۰-۲۰۹ / بیک محمدی، ۱۳۸۴: ۶۱-۵۷)

در متون جغرافیایی سده‌های سوم و چهارم هجری، گستره دریای پارس چنان توصیف شده است که نام این دریا برای پهنه آبی وسیعی به کار رفته است و خلیج فارس تنها بخشی از آن را تشکیل می‌دهد. مؤلفان این آثار اعتراف داشته‌اند که دریای پارس که نام خود را از مهم‌ترین ولایت مجاور خود (پارس) گرفته بود، پهنه‌ای بسیار وسیع‌تر از سرزمین‌های ساحلی ولایت پارس را در بر می‌گرفت و دریای پارس نامی است که از قدیم بر گستره‌ای عظیم از آب‌های نیلگون واقع در جنوب و در قلمرو کشور پهناور و کهنسال ایران نهاده شده است. (فروزانی [بی تا]: ۲۳) آب‌های این دریا نه تنها مرزهای جنوبی ولایات

^۱. Narmarratu

^۲. Drayatya haha persaaity

^۳. Persikon kaitas

^۴. Persicus sinus

^۵. Aquarum persico

فارس و خوزستان را تشکیل می‌دادند، بلکه مرزهای جنوبی ایالت‌های کرمان، مکران و سند را نیز شامل می‌شدند. (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۴۶)

ابن حوقل از جغرافی‌نگاران مسلمان در سده چهارم هجری در مورد وسعت دریای پارس می‌گوید: «قسمتی از دریای فارس که قلمز در آن است تا محاذات اندرون یمن، بحر قلزم [بحر احمر = دریای سرخ] نامیده می‌شود ... آن‌گاه از دریای قلزم به طرف دیگر می‌چرخد ... آن قسمت از دریای فارس را که مقابل اندرون یمن است، بحر عدن می‌نامند و پس از آن بحرالزنج است تا آن که به محاذات عمان با انحراف به سوی دریای فارس می‌رسد ... اگر از عمان بگذری و از حدود اسلام خارج شوی به نزدیک سرنیدیب درآیی، آن قسمت نیز بحر فارس نامیده می‌شود.» (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۳-۴ / اصطخری، ۱۳۶۸: ۳۲-۳۴)

در گزارش‌های جغرافی‌نگاران، دریای فارس بیشتر دیار عرب را در بر گرفته است و دریای سرخ جزء این دریا به شمار می‌رود و پس از دور زدن دیار عرب به عبادان (آبادان) سپس به مهربان و جنابه می‌رسد. آن‌گاه از کناره‌های فارس به سوی سیراف می‌گذرد و به سواحل هرمز از پشت کرمان امتداد می‌یابد و به دیبل^۱ و سواحل مولتان که ساحل سند است، می‌رسد. آن‌گاه از سواحل هند گذشته، سواحل تبت را قطع می‌کند و به سرزمین چین می‌رسد. (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱-۲ / اصطخری، ۱۳۶۸: ۳۱-۳۸)

اما اینکه چرا این دریا با نام پارس مشهور شده است، در نوشته‌های جغرافی‌نگاران این دلیل مطرح است که در میان ایالت‌هایی که در کرانه دریای پارس قرار دارند، فارس از همه این کشورها آبادتر است و پادشاهان آن از دیر باز بر دور و نزدیک و حوالی و اطراف این دریا مسلط بودند و در همه بلاد دیگر کشتی‌هایی که در دریای فارس حرکت می‌کنند و از حدود مملکت خود خارج می‌شوند و با جلال و مصونیت برمی‌گردند همه متعلق به فارس هستند؛ از این رو بدین نام شهرت یافته است. (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۴۶ / اصطخری، ۱۳۶۸: ۱۰۹)

اهمیت خلیج فارس

خلیج فارس در طول تاریخ از اهمیت ویژه‌ای در سیاست‌های بین‌المللی و منطقه‌ای برخوردار بوده است. این اهمیت در طول زمان متفاوت بود، اما از محدوده معینی خارج نشده است. مهم‌ترین دلایل اهمیت این منطقه عبارتند از:

۱. موقعیت ژئوپلیتیکی که حلقه ارتباطی بین شرق و غرب را تشکیل می‌دهد.

^۱. Daybul

اهمیت خلیج فارس و تلاش برای جعل نام جدید ۵

۲. دارا بودن تنگه استراتژیک هرمز و جزایری مهم از جمله: قشم، بوبیان، بحرین، کیش و هرمز^۱ که هر یک به تنهایی از اهمیتهای ویژه‌ای برخوردارند.

۳. دارا بودن بنادر متعدد.

۴. اهمیت تاریخی آن که به عنوان مهد تمدن‌هایی چون تمدن پارسی و شریعت اسلامی شناخته شده است.

۵. دارا بودن منابع آبی و زیر زمینی.

بنا بر این، ویژگی‌های جغرافیایی و ژئوپلیتیکی خلیج فارس، این منطقه را از نظر اقتصادی و نظامی با اهمیت ساخته است. (الهی، ۱۳۸۴: ۲۵-۱۵ / حافظ نیا، ۱۳۷۱: ۲۰)

خلیج فارس در محدوده تاریخی خود - که پیش‌تر بدان اشاره شد - دارای موقعیت و شرایط جغرافیایی برجسته‌ای بود، به گونه‌ای که وضعیت جغرافیایی آن نقش مهم و تعیین‌کننده‌ای در شکل دادن اقتصاد، تجارت و سکونت‌گاه‌هایش داشته است. خلیج فارس به دلیل همین موقعیت جغرافیایی نقش بسزایی در روند شکل‌گیری تمدن‌های پس‌کرانه‌ای آن داشته است. سرزمین‌های سند، ایران، بین‌النهرین و شبه جزیره عربستان در پس‌کرانه‌های این آبراه مهم به وجود آمدند. (وثوقی، ۱۳۸۹: ۲۵)

افزون بر آن، خلیج فارس از دیرباز همواره نقشی مهم در تأمین امنیت جهانی ایفاء کرده است. صحنه دو جنگ بزرگ در جهان؛ جنگ جهانی اول طی سال‌های ۱۹۱۸-۱۹۱۴ م. و جنگ جهانی دوم طی سال‌های ۱۹۴۵-۱۹۳۹ م. یکی خلیج فارس و دیگری دریای مدیترانه بوده است.

خلیج فارس به دلیل دارا بودن تنگه هرمز و جزایر مهم و نقش ارتباطی آن با دریای عمان و آب‌های آزاد بین‌المللی، از جمله مناطق استراتژیک جهان به شمار می‌آید. در نظریه "هارتلند"^۲ که توسط هانفور مکیندر^۳ در سال ۱۹۰۴ م. ارائه شد، از خلیج فارس به مثابه محور یا قلب زمین نام برده شده است. بر اساس این نظریه هر دولتی که بر قلب زمین یا هارتلند حاکم باشد، می‌تواند بر جهان مسلط شود. (الهی، ۱۳۸۴: ۲۳-۱۸ / جعفری ولدانی، ۱۳۸۰: ۴۶ / مؤمنی [بی تا]: ۱۲۴)

ایرانیان همواره با علاقه‌مندی ویژه‌ای به خلیج فارس نگریده‌اند. این علاقه‌مندی دارای سابقه تاریخی طولانی است و ریشه در واقعیات جغرافیایی، اقتصادی، انسانی، فرهنگی و سیاسی دارد. یک سوی مرزهای ایران در جنوب، سراسر دریا است؛ یعنی خلیج فارس و

^۱. درباره جزایر خلیج فارس ر.ک: نوربخش، ۱۳۶۲: ۴۴۵ و ۱۹۵ / اقبال آشتیانی، ۱۳۸۴: ۱۳-۴

^۲. Heartland - قلب زمین

^۳. Hunfore makinder

دریای عمان. این مرز آبی از خرمشهر تا گواتر بیش از سه هزار کیلومتر طول دارد. چنین مرز حساسی طی دو سده گذشته تأثیری مستقیم بر سیاست و سرگذشت ایران داشته است. اهمیت اقتصادی خلیج فارس برای ایرانیان با صدور نفت از طریق این خلیج که درصد بسیار بالایی از درآمد ارزی کشور را تأمین می‌کند به خوبی آشکار است و اینکه خلیج فارس گذرگاه اصلی واردات و صادرات کشور است و نقشی که این صادرات و واردات در اشتغال، ارتباطات و فعالیت بخش‌های مختلف اقتصادی دارد، نیاز به توضیح ندارد. (خیراندیش [بی تا]: ۱۲-۱۱)

خلیج فارس به عنوان مرز آبی کشور ایران، همواره یکی از مناطق مهم سوق الجیشی ایران نیز محسوب می‌شده است. چنانکه ساختار سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران در طول زمان به نوعی تحت تأثیر ویژگی‌های استراتژیکی و اقتصادی آن قرار گرفته است. این منطقه که در یکی از مهم‌ترین مسیرهای دریایی جهان واقع شده است، از اوایل سده شانزدهم میلادی به دنبال شکل‌گیری امپراطوری عثمانی و مسدود شدن راه‌های تجاری بین آسیا و اروپا، مورد توجه دولت‌های اروپایی قرار گرفت و پس از اندک زمانی به عنوان محلی برای رقابت شرکت‌های تجاری کشورهایی چون پرتغال، هلند، فرانسه، آلمان، روسیه و بریتانیا درآمد. (برومند، ۱۳۷۸: ۲۱ / مؤمنی [بی تا]: ۱۲۴ / ویلسن، ۱۳۶۶)

سابقه حضور استعماری بریتانیا، خود به عنوان دلیلی بر اهمیت ژئوپلیتیکی خلیج فارس است. چنانکه از مفاد اسناد و مدارک سیاسی منتشر شده بریتانیا در رابطه با خلیج فارس بر می‌آید، اغلب سیاستمداران و کارگزاران بریتانیا به نقش حساس منطقه و لزوم در اختیار داشتن آن تأکید کرده‌اند. آنها همواره از خلیج فارس به عنوان "دروازه هندوستان" یاد کرده‌اند. (بیژن، ۱۳۷۱: ۱۹) بنابراین، منطقه خلیج فارس ابتدا به دلیل داشتن منابع طبیعی و سپس به دلیل ارتباط دریایی با دنیای آزاد دارای اهمیت است. ارزش نظامی این منطقه نیز به دلیل دسترسی به کشورهای آسیایی و خاورمیانه است و جزایر مهم خلیج فارس که در دهانه آن واقع شده‌اند بر اهمیت نظامی آن می‌افزایند، زیرا با در اختیار داشتن این جزایر می‌توان به راحتی بر خلیج فارس مسلط شد. (مجتهدزاده، ۱۳۸۰: ۴۲ و ۱۳)

در اوایل سده بیستم میلادی، اهمیت سوق الجیشی خلیج فارس در شمار نخستین عامل توجه و تجاوز استعمارگران به این منطقه به شمار می‌رفت و بریتانیا از این منطقه به عنوان کمربند ایمنی و راه ارتباطی سریع به هندوستان بهره می‌گرفت. در این زمان خلیج

اهمیت خلیج فارس و تلاش برای جعل نام جدید ۷

فارس، تنها از اهمیت نظامی و استراتژیک در فتح جنوب و شرق آسیا برخوردار نبود، بلکه بازاری برای رونق اقتصاد اروپا نیز محسوب می‌شد، به طوری که هر ناوگانی که از غرب می‌آمد در عرشه خود نمایندگان اقتصادی را به همراه داشت. (سیاوش پوری، ۱۳۷۰: ۴۶)

کشف نفت در منطقه خلیج فارس (ایران) سرنوشت اقتصاد جهانی را دگرگون ساخت. این موضوع موجب جلب توجه بیشتر اروپائیان به این منطقه شد. در این میان، بریتانیا پیش از جنگ جهانی اول به اهمیت استراتژیک نفت پی برد و به دنبال آن به مسائل سیاسی داخلی کشورهای حوزه خلیج فارس توجه نشان داد. (توملاسو، ۱۳۷۲: ۱۷)

در فاصله بین جنگ جهانی اول و جنگ جهانی دوم، سه رویداد مهم اقتصادی در خلیج فارس رخ داد که عبارت بودند از:

۱. جست و جو برای یافتن نفت در سراسر منطقه و بهره‌برداری موفقیت‌آمیز از نفت در ایران، عراق و بحرین و نیز اکتشاف نفت در کویت، قطر و عربستان و در نهایت پیدایش ثروت‌های جدید و ایجاد منافع تازه در منطقه خلیج فارس.
۲. گسترش شیوه‌های جدید ارتباطی از جمله ساخت راه‌های ماشین‌رو و ساخت راه‌آهن در عراق و ایران، تأسیس رادیو، ایجاد خطوط هوایی و تأثیر این نوآوری‌ها در خروج خلیج فارس از انزوا.
۳. دگرگونی و افول صید مروارید که صنعت عمده منطقه به شمار می‌رفت. (یاب و کوپربوش، ۱۳۸۰: ۵۱ / ویلسن، ۱۳۶۶: ۳۱۱-۲۹۲)

خلیج فارس محور ارتباط بین اروپا، آفریقا، آسیای جنوبی و جنوب شرقی است و از نظر استراتژیک در منطقه خاورمیانه به عنوان مهم‌ترین مرکز ارتباطی میان سه قاره است و بخشی از یک نظام ارتباطی که دریای مدیترانه، دریای سرخ، اقیانوس هند، اقیانوس کبیر و اقیانوس اطلس را به هم وصل می‌کند را تشکیل می‌دهد. به همین جهت، این موقعیت از دیرباز مورد توجه قدرت‌های جهانی بوده است. حمل کالا از خاور دور به این منطقه و کشورهای حاشیه آن و بالعکس موجب گردیده است که همواره خلیج فارس کانون هم‌گرایی بازرگانی و تجارت بین کشورهای مختلف جهان باشد. افزون بر اهمیت اقتصادی و تجاری منطقه به لحاظ ارتباط با اقیانوس هند باعث شده است که به شکل یک منطقه عملیاتی در استراتژی‌های نظامی نیز ایفای نقش نماید.

به طور کلی اهمیت منطقه خلیج فارس را می‌توان چنین دسته‌بندی نمود:
(۱) موقعیت ویژه جغرافیایی، (۲) وجود ذخایر عظیم نفت و گاز، (۳) بازار مصرف گسترده کشورهای حاشیه خلیج فارس، (۴) موقعیت فرهنگی و ایدئولوژیکی کشورهای حوالی آن. (امامی، ۱۳۸۲: ۲۴۰ / ادیبی سده، ۱۳۸۴: ۵ / شفقی، ۱۳۸۵: ۳۳۵)

جعل نام خلیج عربی برای خلیج فارس

همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد، در منابع تاریخی پیش از اسلام و تا سده ششم هجری، این آبراهه به نام بحر پارسی یعنی دریای پارس - نامیده می‌شود و پس از آن، از مرز تنگه هرمز در دو قسمت به نام خلیج فارس (در مغرب) و دریای پارس یاد می‌شود و دریای پارس از تنگه هرمز تا بندر گواتر (سرحد پاکستان و ایران) ادامه داشته است. (بیک محمدی، ۱۳۸۴: ۵۹-۵۸) زیرا جغرافی‌نویسان مسلمان، محدوده جغرافیایی "دریای پارس" و بعدها "خلیج فارس" را بسیار گسترده‌تر از وضعیت کنونی و منطبق بر بخشی از اقیانوس هند، دریای عمان، خلیج فارس و دریای سرخ می‌دانسته‌اند. (وثوقی، ۱۳۸۹: ۲۴)

در نوشتجات و سخنان مقامات و رهبران سیاسی جهان، نام خلیج فارس مکرر به چشم می‌خورد. طه الهاشمی رئیس سابق ستاد ارتش عراق، برژینسکی مشاور امنیتی کارتر رئیس جمهور وقت آمریکا در کتاب خود Game Plan، لانس دان وزیر امور خارجه انگلستان (۱۹۰۳م)، لرد کرزن وزیر امور خارجه انگلستان (۱۸۹۲م)، در کتاب خود ایران و قضیه ایران، انور خوجه رهبر متوفای آلبانی، کورت والدهایم دبیر کل سابق سازمان ملل و لسترنج خاورشناس معروف در سخنان و کتاب‌های خود از خلیج فارس نام برده‌اند. (بیک محمدی، ۱۳۸۴: ۵۹) اسناد و نوشته‌های به جای مانده از مورخان نیز [تماماً] حاکی از این است که نام خلیج فارس از گذشته‌های دور تاکنون به طور مداوم، همراه با نام کشور ما بوده است و منظور از خلیج عربی، همواره بحر احمر بوده است. در قراردادهای منعقد شده - که یک طرف آن عرب‌ها بوده‌اند - با صراحت از خلیج فارس نام برده‌اند و در نامه مورخ ۱۹۷۱/۳/۵م. دبیرخانه سازمان ملل متحد از کلیه ارکان سازمان خواسته است تا در کلیه مکاتبات خود از اسم واقعی و تاریخی خلیج فارس استفاده کنند.^۱

^۱. برای عناوین قراردادهای ر.ک: بیک محمدی، ۱۳۸۴: ۶۱.

اهمیت خلیج فارس و تلاش برای جعل نام جدید ۹

با اینکه در جهان‌نماها و نقشه‌های جغرافیایی یونان باستان که مربوط به صدها سال پیش از میلاد است و همچنین در نوشته‌های جغرافیایی و تاریخی یونان باستان^۱، به فارسی بودن نام این آبراهه به مناسبت مجاورت با اقوام پارسی شمال آن، خلیج فارس یا دریای پارس اشاره شده است و افزون بر آن، در نوشته‌ها و کتاب‌های جغرافیایی و تاریخی دوره اسلامی نیز از آن به نام‌های دریای پارس یا خلیج فارس نام برده‌اند و حتی با اینکه از سده ۱۶ تا اواخر سده ۱۹ میلادی که این منطقه تحت نفوذ پرتغال و انگلستان از قدرت‌های بزرگ استعماری آن زمان بود، غالباً نام خلیج فارس حفظ شده است، اما سرچارلز بلگریو^۲ انگلیسی در سایه نیت استعماری و سیاست خاص انگلیسی‌ها، به قصد ایجاد شبهه در افکار عمومی به ویژه در اذهان عرب‌ها و ایجاد تنش در منطقه، از خلیج فارس به نام "خلیج عربی" یاد کرد. همچنین در سال ۱۹۶۲م. روزنامه تایمز لندن برای نخستین بار خلیج فارس را به نام ساختگی "خلیج عربی" خواند. دیری نپائید که جمال عبدالناصر رئیس‌جمهور وقت مصر که به خاطر مبارزه علیه اسرائیل توانسته بود در جهان عرب محبوبیت فراوانی کسب کند، از نام ساختگی یاد شده در اشاره به خلیج فارس سود جست و اخیراً ژورنال National Geography از این نام تحریف شده استفاده نمود. (مجتهدزاده، ۱۳۸۰: ۱۹/ بیک محمدی، ۱۳۸۴: ۶۲)

اسناد و مدارک تاریخی گواه بر آن است که نام این دریا از ۵۰۰ سال پیش از میلاد تا به امروز دریای فارس بوده است و نام ساختگی که برخی مدعیان در سال‌های اخیر بر آن نهاده‌اند به واسطه پاره‌ای اختلافات سیاسی است و هیچ توجیه دیگری ندارد. "اطلس جغرافیایی و اسناد تاریخی خلیج فارس از ماقبل تاریخ تا زمان حاضر"، مجموعه‌ای است از ۳۷۳ نقشه که به منظور نشان دادن سابقه و اصالت نام خلیج فارس مقارن با آغاز ادعاهای برخی مدعیان در باره نام خلیج فارس در سال ۱۳۴۹ شمسی به دو زبان فارسی و انگلیسی و فهرست فرانسه به چاپ رسید و بارها تجدید چاپ شد. این کتاب مشتمل بر ۸ فصل است که هر فصل آن مربوط به مقطع زمانی مشخصی است و خلیج فارس را در الواح و نقشه‌های جهان از دوران باستان، قرون وسطی، دوره رنسانس و دوران جدید نمایانده است. سپس خلیج فارس در نقشه‌های آسیا، جنوب غربی ایران - اقیانوس

^۱ درباره خلیج فارس و خلیج‌العربی در کتیبه‌ها و متون باستانی و سایر منابع ر.ک: چیت‌ساز، ۱۳۸۴: ۲۱۰-۲۰۱/ کاووسی عراقی، ۱۳۸۴: ۴۳۷-۴۱۹ و درباره نقشه‌های تاریخی خلیج فارس ر.ک: سرای ایران خلیج فارس.

^۲ Sir Charles Belgarave

هند، خاور نزدیک، خلیج فارس در نقشه‌های ایران از ۱۵۰۷م. تا زمان حاضر، خلیج فارس، دریای پارس در نقشه‌های عراق، عربستان و کتاب شناسی، اسامی جغرافی دانان و مورخان و نقشه‌کش‌ها را آورده است و طی این فصول به بررسی نام خلیج فارس در آثار جغرافی‌دانان، مورخان و نقشه‌کشان پرداخته است و ادعاهای بی‌پایه برخی مدعیان که نام مجعول بر این دریای همیشه فارسی نهاده اند را رد نموده است. (همدانی [بی‌تا]: ۱۴۱-۱۴۰)

مجتهدزاده طرح مسأله "خلیج‌العربی" را توطئه‌ای از جانب برخی شیوخ عرب مانند ابوظبی و قطر زیر نظر آمریکا در مخالفت با ایران می‌داند که به قصد تجزیه ایران به راه انداخته‌اند، هر چند که می‌گوید پیشینه این موضوع به سال ۱۹۳۵م. بر می‌گردد که سر چارلز بلگریو نماینده سیاسی بریتانیا در خلیج فارس بوده است. بلگریو اظهار می‌کند که: چون ما موفق شده‌ایم قبایل ایرانی را تبدیل به شیخ‌نشین عربی کنیم، پس ناگزیر باید اینجا منطقه‌ای عربی شود. آنها علاوه بر محدوده تنگه هرمز تا کویت، خزعل را در خوزستان برای ایجاد عربستان علم کردند و همچنین در بندر لنگه و بوشهر نیز برخی شیوخ را علم کردند که شیخ‌نشین عربی ایجاد کنند. در بندرعباس هم که سلطان عمان، طبق قرارداد ۱۸۱۱م. اجاره‌داری داشت و در سال ۱۸۵۶م. تجدید شد، درصدد تبدیل قرارداد استیجاری به شیخ‌نشین عرب بودند و سرگرد کاکس دنبال آن بود. البته آن زمان دولت بریتانیا پیشنهاد بلگریو را برای عربی کردن خلیج فارس نپذیرفت، زیرا اظهار می‌کرد که دولت بریتانیا با دولت ایران درگیری‌های زیادی - بر سر مسأله خوزستان، مسأله نفت، جزایر بحرین و جزایر ابوموسی و تنب و جزیره سیری - دارد و در این دعوی جدید بازنده خواهد شد، برای اینکه تا این زمان یعنی ۱۹۳۵م. جز ایران هیچ کشوری در این منطقه وجود نداشت. البته عراق در سال ۱۹۲۴م. بعد از جنگ جهانی اول تأسیس شده بود، اما هنوز به صورت دولت مستقل عربی نبود و دولت عربستان سعودی در سال ۱۹۳۲م. به صورت یک کشور پادشاهی اعلام وجود کرد و ناگزیر بریتانیا در تمام کارهایی که می‌کرد، با ایران طرف بود. (مجتهدزاده، ۱۳۸۵: ۲۲-۲۱)

پس از اینکه عبدالکریم قاسم در سال ۱۹۵۸م. در عراق کودتا کرد و روی کار آمد، وی کلمه خلیج‌العربی را برای اولین بار در تاریخ جدید به کار برد که این کاربرد در رقابت بین بغداد و قاهره و نه علیه ایرانیان بود. او سعی نمود با استفاده از احساسات ناسیونالیستی اعراب برای خود محبوبیت کسب کند. در سال ۱۹۶۲م. جمال عبدالناصر در اوج فعالیت‌های پان عربیسم خود بر اثر رقابت با بغداد بر سر رهبری دنیای عرب این موضوع را بیان کرد. با

اهمیت خلیج فارس و تلاش برای جعل نام جدید ۱۱

روی کار آمدن صدام حسین و قدرت‌یابی حزب بعث این موضوع در ارتباط با ایران و ایران‌ستیزی برای رسیدن به رهبری دنیای عرب دوباره مطرح شد. بدین ترتیب امروزه با توطئه آمریکا و پول برخی شیوخ عرب با هدف‌های زیر این موضوع دنبال می‌شود:

(۱) ایران‌زدایی خلیج فارس و بیرون کردن ایران از خلیج فارس، نه تغییر نام خلیج فارس.

(۲) ادعا نسبت به تمام سواحل و جزایر و کرانه‌های ایرانی.

در واقع اینها ادعای مالکیت دو جزیره تنب و ابوموسی را ندارند، بلکه بندرلنگه را بندر لنجه، خوزستان را عربستان، جزیره لاوان را شیخ شعیب و جزیره کیش را قیس می‌خوانند و دسیسه بزرگی را در مخالفت با جمهوری اسلامی ایران دنبال می‌کنند.^۱ (همان: ۲۵-۲۲)

یکی از پژوهشگران در مقاله خود آورده است که این نام‌گذاری غیر علمی "خلیج عربی" پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و تسلط دوباره قدرت‌های امپریالیستی بر منطقه بیش از پیش مشهود گردید و در پیوند با "العروبه"^۲ از یک سو و دور ساختن اندیشه‌ها و خواست‌های واقعی اعراب از مسأله فلسطین از سوی دیگر، علی‌رغم تذکرات سازمان ملل و محافل جهانی به شیوه‌های گوناگون و صرف ثروت‌های هنگفت در سطح منطقه و جهان گسترش پیدا کرد. (تکمیل همایون، ۱۳۸۵: ۲۱۳)

روز شنبه ۲۰ نوامبر ۲۰۰۴ میلادی با اعلام در رادیو "بی بی سی" مؤسسه آمریکایی جغرافیای ملی^۳ با داشتن اعتبار علمی فراوان، فتنه‌های چندساله را آشکار کرد و با آوردن عنوان "خلیج عربی" به بهانه "کلیدواژه" و تغییر نام و نشان جزیره‌های ایرانی و "متصرف دانستن" آنها توسط ایران، معرکه جدید تعقیب و آسیب زدن به ارزش‌های تاریخی را رونق داد. (همان: ۲۱۴-۲۱۳)

با آنکه در اسناد کهن، خلیج عربی نام دریایی است که اکنون در اطلس‌های جهانی به نام "دریای سرخ" یا "بحر احمر" شناخته می‌شود و در عمده منابع تاریخی، جغرافیایی و اطلس‌ها، نام واقعی خلیج فارس و دریای فارس به آب‌های جنوبی ایران اطلاق شده است. اما چنانکه گذشت، آغاز این جعل استعماری توسط لرد چارلز بلگریو از کارگزاران انگلیسی صورت گرفت. وی طی سال‌های ۱۳۳۷-۱۳۰۷ ش. / ۱۹۵۷-۱۹۲۸ م. پس از ۳۰ سال اقامت در خلیج فارس و داشتن مشاغل سیاسی و دیپلماسی، مشاهده تمام مناطق این خلیج

^۱ در باره پیشینه طرح خلیج عربی همچنین ر.ک: صلاح ۱۳۸۵: ۳۶۹-۳۶۸/ الهی، ۱۳۸۴: ۵-۴

^۲ جنبش ناسیونالیسم عربی و عرب‌گرایی که شکل دیگر آن پان عربیسم = اتحاد مردم عرب است.

^۳ National Geographic

ایرانی از نزدیک، انجام تحقیقات میدانی و مطالعه و بررسی در متون و منابع قدیم و جدید تاریخی بر بسیاری از ماجراهای خلیج فارس آشنایی یافت و در سال ۱۳۳۴ ش./ ۱۹۵۵ م. کتابی با عنوان "به بحرین خوش آمدید"^۱ را در لندن منتشر کرد و در این کتاب از خلیج فارس با نام اصلی و واقعی آن یاد کرد. اما در سال‌هایی که مأموریت او در خلیج فارس رو به اتمام بود، در مجله عربی زبان "صوت‌البحرین" طی مقاله‌ای برخلاف کتاب پیشین خود عنوان "خلیج‌العربی" را به کار برد و این امر از یک سو همزمان با شکست نهضت ملی ایران در پی کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و حاکمیت استبداد وابسته به آمریکا در ایران و از سوی دیگر اوج هیجانات "العروبه" در کشورهای عرب بود. بلگریو در سال ۱۳۴۵ ش./ ۱۹۶۶ م. کتاب دیگری با عنوان "ساحل دزدان دریایی"^۲ را منتشر کرد و در آن کتاب بی آنکه مدرکی ارائه دهد، نوشت: «خلیج فارس که اعراب آن را خلیج عربی می‌نامند». این جعل مزورانه که مقدمات آن از پیش پدید آمده بود، نه تنها به نام اعراب مطرح گردید و نوعی دشمنی با ایرانیان را پدید آورد. بلکه شرایط را برای جدایی بحرین فراهم کرد و مالکیت سه جزیره ایرانی ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک نیز مورد ادعای جدید و نابجای شیخ‌نشین‌های عرب قرار گرفت. (همان: ۲۱۸-۲۱۷/ شفق: ۱۳۸۵: ۳۳۹-۳۳۸/ صلاح، ۱۳۸۵: ۳۸۷-۳۸۴)

پس از آن، بسیاری از دولت‌های غربی که چشم به پول‌های اعراب دوخته بودند، ریاکارانه گاه واژه "خلیج"^۳ را به تنهایی به کار می‌بردند و زمانی از واژه "خلیج عرب و فارس"^۴ استفاده می‌کردند. سیاستمداران انگلیس که خود آتش‌افروز معرکه بودند، شمال خلیج فارس را "خلیج‌فارس" و جنوب آن را "خلیج عربی" نامیدند. (تکمیل همایون، ۱۳۸۵: ۲۱۹)

یکی دیگر از پژوهشگران با طرح این فرضیه که بین تلاش برای تغییر نام "خلیج فارس" به "خلیج‌العربی" از سوی ناسیونالیسم افراطی عرب و محافل استعماری غرب ارتباط هدفداری وجود دارد، به تقسیم بندی چهارگانه ناسیونالیسم عرب می‌پردازد و مرحله چهارم آن را ناسیونالیسم نوین عربی می‌نامد. وی معتقد است که قدرت‌های اروپایی به ویژه انگلستان، اهداف جنبش ناسیونالیسم عرب را در مسیر آرمان‌های امپریالیستی تغییر دادند و ضمن جلوگیری از اتحاد در دنیای عرب موجب تفرقه در جهان اسلام شدند. از اولین

¹ Welcome to Bahrain

² The Pirate Coast

³ Gulf

⁴ Gulf Arabo-persique

اهمیت خلیج فارس و تلاش برای جعل نام جدید ۱۳

ثمرات شوم این تفرقه، فراهم شدن زمینه تثبیت دولت اسرائیل در قبله اول مسلمین یعنی قدس بود. اکتشاف چاه‌های نفت در منطقه نیز بهترین انگیزه را برای دخالت قدرت‌های استعمارگر در جریان ناسیونالیسم عربی به دست می‌داد. به همین سبب، این جنبش به جای آنکه تمام تلاش خود را مصروف مبارزه با دشمن جدید، یعنی صهیونیسم کند و به عواقب سوء ناشی از تشکیل دولت غاصب اسرائیل پی ببرد، تحت تأثیر القائات بیگانگان، در این مرحله خصیصه ایران‌ستیزی را دنبال کرد و در راستای ایرانی‌ستیزی بود که هویت ایرانی خلیج‌فارس از سوی نماینده سیاسی دولت انگلستان به خلیج عربی تحریف شد؛ نامی که تا اوایل دهه ۱۹۶۰م. در منابع جغرافیایی و اسناد تاریخی سابقه نداشت. (صلاح، ۱۳۸۵: ۳۸۴) هنگامی که روزنامه تایمز لندن اصطلاح جعلی خلیج عربی را به کار برد، اوج پان‌عربیسم ناصر بود. او به واسطه اختلافاتی که با شاه ایران ظاهراً بر سر شناسایی اسرائیل توسط دولت ایران داشت، این اصطلاح جعلی را به کار برد. اقدام ناصر چون با جریان ناسیونالیسم افراطی عربی توأمان شده بود، اثرات منفی خود را بر شیخ‌نشین‌های خلیج فارس گذاشت. برای نخستین بار در ۱۳ اوت ۱۹۶۴م. اتحادیه عرب، نام مجعول خلیج‌العربی را در یک سند رسمی ذکر کرد و به دنبال آن تصمیم گرفت که این نام مجعول را در برنامه‌های درسی کلبه کشورهای عضو اتحادیه و مکاتبات رسمی استفاده کند. همچنین روزنامه مصری الاهرام در راستای عربی نمودن خلیج فارس، ایران را متهم کرد که جزیره ابوموسی را اشغال کرده است. (همان: ۳۸۶-۳۸۵) آخرین ترفند از این نوع، اقدام سایت اینترنتی گوگل^۱ است که نام خلیج فارس را با این توجیه که قصد ورود به اختلافات سیاسی بین کشورها را ندارد، از نقشه خود حذف کرد که واکنش جمهوری اسلامی ایران را در پی داشت.

نتیجه‌گیری

طرح خلیج عربی به جای خلیج فارس از نظر تاریخی، متون جغرافیایی، اسناد، اطلس‌ها و نقشه‌ها یک جعل آشکار و از واقعیت به دور است. این اصطلاح نه بر خلیج فارس که بر دریای سرخ (بحر احمر) اطلاق می‌شده است. در ابتدا سیاست بریتانیا برای حاکمیت بر کرانه جنوبی خلیج فارس و جداسازی این مناطق از حوزه حاکمیت ایران، طرح واژه‌گزینی جعلی برای خلیج فارس را مطرح کرد. سپس ناسیونالیسم عربی و سیاست ایران‌ستیزی برخی رهبران عربی (به ویژه در مصر و عراق) به آن دامن زد. تلاش‌های اخیر

^۱. Google

نیز در راستای ایران‌هراسی و مخالفت با جمهوری اسلامی توسط آمریکا و برخی کشورهای اروپایی و رسانه‌های آنها با پول برخی شیوخ عرب انجام می‌گیرد. اهمیت سوق‌الجیشی و ژئوپلتیک خلیج فارس، قدرت روزافزون ایران در منطقه به ویژه از جنبه پیشرفت‌های علمی و دستیابی به فن‌آوری هسته‌ای، تلاش آمریکا برای حضور و تثبیت موقعیت خود در منطقه، ادعاهای واهی برخی شیوخ عرب برای دست‌اندازی به برخی از جزایر ایرانی در خلیج فارس موجب دست‌یازیدن به جعل این اصطلاح خلیج عربی شده است تا بتوانند بهانه‌ای برای اهداف و نیات شوم خود پیدا کنند. اما با هوشیاری مسئولان نظام جمهوری اسلامی ایران، انسجام و بیداری ملت ایران و تلاش علمی صاحبان فکر و اندیشه در داخل و مخالفت‌های مجامع و نهادهای مستقل و منصف بین‌المللی این نقشه نیز ناکام خواهد ماند و خلیج فارس همیشه خلیج فارس خواهد ماند.

اهمیت خلیج فارس و تلاش برای جعل نام جدید ۱۵

منابع و مآخذ

- ابن حوقل (۱۳۶۶) سفرنامه ابن حوقل، ترجمه و توضیح: جعفر شعار، چاپ دوم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ادیبی سده، مهدی (۱۳۸۴) "بررسی استراتژیک خلیج فارس بر سیاست کشورهای حوزه آن" **مجموعه مقالات همایش بین‌المللی خلیج فارس در گستره تاریخ**، ج ۲، به اهتمام: اصغر منتظرالقائم اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- اصطخری، ابو اسحق ابراهیم (۱۳۶۸) مسالک و ممالک، به اهتمام: ایرج افشار، چاپ سوم، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۸۴) **مطالعاتی در باب بحرین و جزایر و سواحل خلیج فارس**، تهران: انتشارات اساطیر.
- اقتداری، احمد (۱۳۸۷) **خلیج فارس از دیرباز تا کنون**، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- اقتداری، احمد [بی‌تا] "اصالت نام خلیج فارس به گواهی اسناد و مدارک ادبی، تاریخی و جغرافیایی" **پژوهشنامه خلیج فارس (۱) ضمیمه کتاب ماه تاریخ و جغرافیا**، شماره ۸۹-۸۸.
- الهی، همایون (۱۳۸۴) **خلیج فارس و مسائل آن**، چاپ هشتم، تهران: نشر قومس.
- امامی، محمدعلی (۱۳۸۲) **عوامل تأثیرگذار خارجی در خلیج فارس**، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- برومند، صفورا (۱۳۷۸) "سرکنسولگری بریتانیا در بوشهر (۱۹۱۴-۱۷۶۳)" **فصلنامه تاریخ روابط خارجی ایران**، سال اول، شماره ۱، زمستان ۱۳۷۸.
- بیات، عزیزالله (۱۳۶۷) **کلیات جغرافیای طبیعی و تاریخی ایران**، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- بیک محمدی، حسن (۱۳۸۴) "منشأ تاریخی و جغرافیایی نام خلیج فارس" **مجموعه مقالات همایش بین‌المللی خلیج فارس در گستره تاریخ**، ج ۲، به اهتمام: اصغر منتظرالقائم، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- تکمیل همایون، ناصر (۱۳۸۵) "اهداف استیلاگرانه در تغییر نام خلیج فارس و اشاره به پاره‌ای از اقدامات جهانی" **مجموعه مقالات همایش بین‌المللی خلیج فارس در گستره تاریخ**، ج ۳، به اهتمام: اصغر منتظرالقائم، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- توملاسو (۱۳۷۲) "نقش خلیج فارس در اهمیت استراتژیکی اقیانوس هند" **مجموعه مقالات دومین سمینار بررسی مسائل خلیج فارس**، ۲۹ آبان - اول آذر ۱۳۶۸، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.

جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۸۰) "جایگاه خلیج فارس در نظام جدید جهانی" **مجموعه مقالات یازدهمین همایش خلیج فارس**، دی ۱۳۷۹، مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.

چیت‌ساز، محمدرضا (۱۳۸۴) "خلیج فارس و خلیج‌العربی" **مجموعه مقالات همایش بین‌المللی خلیج فارس در گستره تاریخ**، ج ۲، به اهتمام: اصغر منتظرالقائم، اصفهان: دانشگاه اصفهان.

حافظنیا، محمدرضا (۱۳۷۱) **خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه هرمز**، تهران: انتشارات سمت. خیراندیش، عبدالرسول [بی‌تا] "اهمیت خلیج فارس برای ایرانیان"، **پژوهشنامه خلیج فارس (۲)**، ضمیمه کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۸۹-۸۸.

سرای ایران خلیج فارس، نمایشگاه نقشه‌های تاریخی خلیج فارس، "نگاهی به نقشه‌های تاریخی خلیج فارس"، هیجدهمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران ۲۴-۱۴ اردیبهشت ۱۳۸۴، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و بنیاد ایران شناسی.

سوساک، سیات، [بی‌تا] "خلیج فارس، گذشته و امروز آن"، ترجمه: حسام امیرحمزه، در: **پژوهشنامه خلیج فارس (۲)**، ضمیمه کتاب ماه تاریخ و جغرافیا شماره ۸۹-۸۸.

سیاوش پوری، عباس (۱۳۷۰) **استراتژی غرب در خلیج فارس**، تهران: انتشارات کمال علم. شفقی، سیروس (۱۳۸۵) "دوگانگی فرهنگی، منشاء و پیدایش دوگانگی اسمی خلیج فارس"، **مجموعه مقالات همایش بین‌المللی خلیج فارس در گستره تاریخ**، ج ۳، به اهتمام: اصغر منتظرالقائم، اصفهان: دانشگاه اصفهان.

صلاح، مهدی (۱۳۸۵) "ناسیونالیسم عربی و خلیج فارس"، **مجموعه مقالات همایش بین‌المللی خلیج فارس در گستره تاریخ**، ج ۳، به اهتمام: اصغر منتظرالقائم، اصفهان: دانشگاه اصفهان.

فتح‌اللهی، جعفر (۱۳۶۸) **مجموعه مقالات سمینار بررسی مسائل خلیج فارس**، تهران: مرکز مطالعات خلیج فارس - دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.

فروزانی، ابوالقاسم [بی‌تا] "گستره دریای پارس"، **پژوهشنامه خلیج فارس (۲)**، ضمیمه کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۸۹-۸۸.

کاووسی عراقی، محمدحسن (۱۳۸۴) "مستندات نقشه‌های خلیج فارس در دوره معاصر"، **مجموعه مقالات همایش بین‌المللی خلیج فارس در گستره تاریخ**، ج ۲، به اهتمام: اصغر منتظرالقائم، اصفهان: دانشگاه اصفهان.

مؤمنی، فاطمه [بی‌تا] "اهمیت بین‌المللی خلیج فارس در سده‌های ۱۹ و ۲۰ میلادی"، **پژوهشنامه خلیج فارس (۲)**، ضمیمه کتاب ماه تاریخ و جغرافیا شماره ۸۹-۸۸.

مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۰) **کشورها و مرزها در منطقه ژئوپولیتیک خلیج فارس**، چاپ چهارم، ترجمه: حمیدرضا ملک نوری، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.

اهمیت خلیج فارس و تلاش برای جعل نام جدید ۱۷

_____ (۱۳۸۵) "اهداف تغییر نام خلیج فارس"، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی خلیج فارس در گستره تاریخ، ج ۳، به اهتمام: اصغر منتظرالقائم، اصفهان: دانشگاه اصفهان.

مشکور، محمدجواد (۱۳۶۹) "نام خلیج فارس"، مجموعه مقالات خلیج فارس، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.

نوربخش، حسین (۱۳۶۲) **خلیج فارس و جزایر ایرانی**، [بی‌جا]: انتشارات کتابخانه سنایی.

وثوقی، محمد باقر (۱۳۸۹) **علل و عوامل جابه‌جایی کانون‌های تجاری در خلیج فارس**، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.

ویلسن، سرآرنولد (۱۳۶۶) **خلیج فارس**، چاپ دوم، ترجمه: محمد سعیدی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

همدانی، علی کرم [بی‌تا]، "نام خلیج فارس در اطلس‌های تاریخی"، **پژوهشنامه خلیج فارس (۲)**، ضمیمه کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۸۹-۸۸.

یاق، ملکم و بریتون کوپربوش (۱۳۸۰) **خلیج فارس در آستانه قرن بیستم**، ترجمه: حسن زنگنه، شیراز: نشر به‌دید.

